

حسین توفیق ابراهیم*
عبدالرضا همدانی**

چکیده

ظرف دو سال گذشته، روابط آمریکا و عراق تحت تأثیر دو عامل ریاست جمهوری بوش و حادثه ۱۱ سپتامبر وارد مرحله تازه‌ای شده است. حضور تعدادی از نخبگان دولت بوش پدر در دولت بوش پسر این نکته را به ذهن متبادر کرده است که مأموریت سرنگونی صدام حسین، این بار، به اتمام خواهد رسید. از سوی دیگر، اگر چه ارتباطی میان حادثه ۱۱ سپتامبر و دولت عراق مشاهده نشده است، آمریکا به بهانه جنگ علیه تمامی اشکال تروریسم می‌کوشد که ائتلافی بین‌المللی را علیه عراق سازمان دهد. در این مقاله، اختلاف موجود در دولت آمریکا بر سر چگونگی برخورد با عراق و کسب موافقت دیگر کشورها، مورد بحث قرار گرفته است و نیز تلاش‌های آمریکا و انگلیس برای کنترل بیشتر عراق، از طریق پی‌گیری طرح مجازات‌های هوشمند، توضیح داده شده است. نویسنده با تأکید بر اینکه کشورهای عربی در ائتلاف بین‌المللی مورد نظر آمریکا جایگاه مهمی ندارند، ماه‌های آینده را برای رژیم عراق سرنوشت ساز خوانده است.

کلید واژه‌ها: تروریسم، سلاح‌های گشتار جمعی، مجازات‌های هوشمند، ائتلاف بین‌المللی، برنامه نفت در برابر غذا.

* استاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه قاهره

حسین توفیق ابراهیم، العراق ۲۰۰۲-۲۰۰۱، فی التقرير الاستراتيجی الخلیجی، الشارقة: دارالخليج للصحافة و الطباعة والنشر، نیایر ۲۰۰۲، ص ۱۲۰-۳۵.

** کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۳۴-۱۲۱.

انتخاب جرج بوش پسر به ریاست جمهوری ایالات متحده برای عراق بسیار حایز اهمیت است، زیرا رییس جمهور جدید آمریکا فرزند رییس جمهور اسبق این کشور، جرج بوش پدر، می باشد که در سال ۱۹۹۰ به دلیل اشغال کویت توسط عراق، ائتلافی بین المللی علیه عراق تشکیل داد و این ائتلاف موفق به آزادسازی کویت شد، اما نظام سیاسی حاکم بر بغداد را از میان برداشت. از این رو گروهی از صاحب نظران معتقدند که مأموریت ناتمام بوش پدر را باید بوش پسر به اتمام برساند. حضور چهره هایی نظیر «دیک چنی»، معاون رییس جمهور کنونی و وزیر دفاع در دولت بوش پدر، و «کالین پاول»، وزیر فعلی امور خارجه و رییس ستاد مشترک ارتش در دولت بوش پدر، به معنی گرد آمدن مخالفان رژیم عراق در دولت جرج بوش است. ضمن اینکه «دونالد رامسفلد»، وزیر دفاع، و «کاندولیزاریس»، مشاور امنیت ملی، نیز طرفدار اعمال فشار و تهاجم به عراق می باشند. به همین دلیل حمله نسبتاً بزرگ آمریکا به عراق در فوریه ۲۰۰۱، در آستانه نخستین سفر «پاول» به منطقه و آغاز نخستین دور مذاکرات میان سازمان ملل متحد و عراق که از سال ۱۹۹۶ متوقف شده بود، به هیچ وجه تصادفی قلمداد نشد. در واقع این حمله وسیع هوایی حاوی این پیام بود که بوش با نظام عراق هرگز مدارا نخواهد کرد و در صورت ضرورت، حمله های بزرگتری را علیه این کشور تدارک خواهد دید.

با توجه به اینکه «جرج دبلیو بوش» در دوره تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری انتقادهای شدیدی را نسبت به سیاستهای «بیل کلینتون» علیه عراق وارد آورده بود، مسئله عراق تبدیل به چالشی جدی برای دولت جدید شد و به همین دلیل اولویت بالاتری نسبت به قضیه فلسطین پیدا کرد. به خاطر همین اولویت و اهمیت بود که دولت جدید به بازنگری سیاستهای دولت کلینتون در قبال عراق حول سه محور مجازاتها، مناطق «پرواز ممنوع» و حمایت از اپوزیسیون عراق پرداخت.

دولت بوش به مراقبت از مناطق شمالی و جنوب عراق و ادامه حمله های هوایی با همکاری انگلستان در درون این مناطق و گاه در خارج از آن ادامه داد، اما دولت جدید در مورد حمایت از اپوزیسیون تردیدهایی جدی داشت. جناحی در دولت معتقد است که این اپوزیسیون توان ایجاد تغییر و تحول سیاسی در عراق را ندارد. در پرتو این دیدگاه بود که دولت

آمریکا به مهار نظام عراق ادامه داد و تلاش کرد تا این مهار و مجازات‌های آن را فعالتر سازد. دولت جدید به این نتیجه رسیده بود که نظام مجازات‌های اعمال شده علیه عراق کارکرد خود را از دست داده است، ضمن آنکه نظام عراق توانسته بود از این مجازات‌ها علیه ایالات متحده آمریکا و در جهت کسب حمایت افکار عمومی داخلی، عربی و جهانی بهره‌مند شود. با توجه به عملکرد تبلیغاتی دولت عراق و به نمایش گذاشتن وضعیت تأسف بار مردم این کشور، دولت جدید آمریکا در صدد برآمد تا به تدوین مجدد سیاست آمریکا در قبال عراق بپردازد و در همین برهه بود که طرح مجازات‌های هوشمند به سازمان ملل و جهانیان ارایه شد. اما با وقوع حوادث یازدهم سپتامبر و جنگ آمریکا علیه تروریسم، سیاست‌های آمریکا در قبال عراق دچار دگرگونی جدی شد.

در این مقاله ابتدا به موضوع مجازات‌های هوشمند و سپس به تأثیر انفجارهای یازدهم سپتامبر بر مسئله عراق پرداخته می‌شود.

مجازات‌های هوشمند

مجازات‌های هوشمند به این دلیل وضع شد که نظام صدام حسین با فعالیتی حساب شده تر و با حمایت از اپوزیسیون برای اقدام به یک حمله نظامی از شمال و جنوب عراق که با حمله‌های هوایی و دریایی ایالات متحده توأم خواهد شد، فرو بیاشد.^۱ گرچه این آمریکا بود که مجازات‌های هوشمند را مطرح کرد، اما انگلستان آن را در ماه مه ۲۰۰۱ به شورای امنیت ارایه داد.

انگلستان امیدوار بود که شورای امنیت این پیشنهاد را قبل از سوم ژوئن که زمان تمدید ادواری برنامه «نفث در برابر غذا» می‌باشد، به تصویب برساند. به موازات طرح این پیشنهاد در شورای امنیت، ایالات متحده و انگلستان برنامه تبلیغاتی و دیپلماتیک خویش را برای توضیح این مسئله آغاز کردند که هدف از مجازات‌های هوشمند پایان دادن به مجازات‌ها علیه ملت عراق است و تنها نظام حاکم بر این کشور را تحت نظارت قرار می‌دهد تا به سلاح‌های کشتار جمعی دست نیابد و همسایگانش را تهدید نکند. واشنگتن و لندن تأکید داشتند مجازات‌هایی که به

آنها هوشمند گفته می شود، نظام سیاسی حاکم بر عراق و نه ملت این کشور را مورد هدف قرار خواهد داد.

مهمترین جزئیات طرح مجازاتهای هوشمند را می توان به طور خلاصه به ترتیب زیر بر شمرد:^۲

۱. اجازه ورود کالاهای غیر نظامی به عراق و ممانعت از ورود ابزارهای نظامی به این کشور، اما موادی که دارای استفاده دوگانه نظامی و غیر نظامی هستند باید برای ورود به عراق از کمیته ای که طبق قطعنامه ۶۶۱ صادره در سال ۱۹۹۰ تشکیل شده است و مرکب از دبیر کل سازمان ملل متحد و کمیته نظارت، تحقیق و بازرسی سازمان ملل می باشد، اجازه ترخیص کسب نموده باشند.

۲. اجازه واردات نفت و محصولات نفتی عراق از سوی کشورهای هم جوار به گونه ای که از ۱۵۰ هزار بشکه در روز تجاوز نکند، در مقابل این کشورها می توانند معادل مبلغ واردات نفت، کالاهایی که صادراتشان به عراق مجاز است، به این کشور ارسال نمایند.

۳. دبیر کل معیارهای مشخصی برای انتخاب شرکتها و مؤسسه های بازرگانی که قادر به خرید نفت و مشتقات نفتی عراق و یا صادر کردن آن به کشورهایی که مرز خاکی با عراق ندارند، وضع می نماید و سپس فهرستی از این شرکتها را که نفت عراق تنها از طریق آنها به فروش خواهد رسید، ارایه خواهد داد.

۴. اجازه به دولتهای اردن و تونس برای بازگرداندن هواپیماهای عراقی موجود در این دو کشور به بغداد.

۵. اجازه به کلیه کشورها که پروازهای غیر نظامی خود را به عراق، طبق شرایط خاصی که مهمترین آنها بازرسی این پروازها با حضور ناظران وابسته به سازمان ملل متحد می باشد، از سرگیرند.

۶. نظارت دبیر کل بر عملیات بازرسی بر کالاها و تولیداتی که از طریق دریا و خشکی به عراق صادر می شود، به ویژه از سوی کشورهای همسایه، تا بدین ترتیب عدم ورود هرگونه کالای غیر مجاز به عراق تضمین گردد.

۷. سهم عراق در بودجه سازمان ملل متحد و دیر کردهایی که در این زمینه وجود داشته است و هزینه بازرسی پروازهای غیر نظامی به عراق توسط حساب خاصی که طبق بند هشتم قطعنامه ۹۸۶ صادره در سال ۱۹۹۵ افتتاح گردیده است، تأمین خواهد شد.

مفاد طرح مجازاتهای هوشمند بیانگر آن است که نظام سیاسی عراق در کنار عدم توانایی در بازسازی نیروهای نظامی هیچ گونه پولی به طور مستقیم دریافت نخواهد کرد، اما آنچه که شایان توجه است عدم اشاره به مسئله بازرسی و نظارت بر سلاح در عراق می باشد. در طرح مجازاتهای هوشمند هیچ سخنی از بازگشت بازرسان به میان نیامده بود، ضمن اینکه هیچ شرطی که نشان دهنده کاهش یا پایان دادن به این مجازاتها باشد ذکر نشده بود.

به محض آنکه مفاد و جزئیات مجازاتهای هوشمند در شورای امنیت مطرح شد، اختلاف نظرهایی به وجود آمد. فرانسه، چین و روسیه با مفاد این طرح موافق نبودند، به ویژه آنکه فهرست کالاهایی که دارای استفاده دوگانه هستند بسیار طولانی بود و نیاز به گفتگوهای مفصل داشت. به رغم تلاشهای آمریکا و انگلستان برای کسب موافقت روسیه، فرانسه و چین قبل از تاریخ تمدید برنامه نفت در مقابل غذا در سوم ژوئن ۲۰۰۱، در این کار ناکام ماندند. بنابراین، شورای امنیت تصمیم گرفت که برنامه نفت در مقابل غذا را به مدت یک ماه دیگر تمدید کند تا فرصت کافی برای مطالعه طرح مجازاتهای هوشمند برای کلیه اعضای شورا فراهم شود. به دنبال این تصمیم، دولت عراق صادرات نفت خود را که در چارچوب برنامه نفت در برابر غذا صورت می گرفت، متوقف نمود و تأکید کرد که استخراج نفت را از سر نخواهد گرفت مگر اینکه شورای امنیت مبادرت به تمدید این برنامه به مدت شش ماه و بدون هیچ گونه تغییری در مفاد آن بنماید.

در سراسر ماه ژوئن، اعضای دائمی شورای امنیت جلسات متعددی را به منظور کسب توافقی درباره این مجازاتها برپا نمودند. در خلال این جلسات روسیه پیشنهادی کاملاً متفاوت با طرح انگلیس و آمریکا ارایه کرد. روس ها بین عملیات نظارت و بازرسی تسلیحات عراق، که از سوی سازمان ملل متحد صورت می گیرد، و به تعلیق در آوردن و سپس پایان دادن به مجازاتها، طبق شرایط و مقررات مشخص، ارتباط برقرار کرده بودند، اما نه تنها ایالات متحده

وانگلستان با پیشنهاد روسیه مخالفت نمودند، بلکه دولت عراق نیز این پیشنهاد را کاملاً رد کرد. عراق همواره تأکید می‌کند هرگونه قطعنامه‌ای را که مجازاتها را به طور کلی خاتمه ندهد، نخواهد پذیرفت.^۲ با توجه به شکاف موجود میان نقطه نظرات آمریکا و انگلیس از یک سو و روسیه از سوی دیگر در رابطه با اعمال مجازاتها علیه عراق، فرانسه اقدام به ارایه طرحی کرد تا این شکاف را به حداقل برساند. طرح فرانسه اختلاف چندانی با پیشنهاد انگلستان نداشت و تنها پاره‌ای اصلاحات در خصوص شیوه ورود کالاهای غیر نظامی به عراق، اجازه به شرکتهای بین‌المللی جهت سرمایه‌گذاری در بخشهای غیر نظامی عراق از جمله بخش نفت، و اختصاص بخشی از درآمدهای نفتی عراق برای جبران خسارتهای وارده بر کشورهای همسایه این کشور به خاطر تغییراتی که در مجازاتهای فعلی پیش بینی شده است، در آن صورت گرفته بود.^۳

گفتگوهای میان اعضای دائمی شورای امنیت، بالاخره به تعدیل قسمتهایی از پیشنهاد انگلستان و موافقت فرانسه و چین با آن منجر شد، اما روسیه همچنان بر موضع سابق خویش که مخالفت با این پیشنهاد بود، اصرار ورزید. روسیه معتقد بود که این مجازاتها هیچ راه حلی برای مسئله عراق در بر ندارد و به گونه‌ای تنظیم شده که گویا دائمی و ابدی می‌باشد، ضمن اینکه به منافع بسیاری از دولتها از جمله روسیه آسیبهایی جدی وارد می‌کند. تلاشهای ایالات متحده برای پایان دادن به مخالفتهای روسیه نیز نه تنها راه به جایی نبرد، بلکه روسیه برای نخستین بار پس از جنگ دوم خلیج فارس تهدید کرد که این طرح را وتو خواهد کرد. تهدید روسیه باعث شد تا انگلستان پیشنهاد خود را پس بگیرد و شورای امنیت بار دیگر در سوم ژوئیه ۲۰۰۱ تصمیم گرفت که برنامه نفت در مقابل غذا را به مدت پنج ماه و بدون هیچ‌گونه تغییری در مفاد آن تمدید کند.^۴

با توجه به اینکه موضع جدی روسیه در استفاده از حق وتو منجر به مسکوت گذاردن پیشنهاد مجازاتهای هوشمند در شورای امنیت شد، فهم علل واقعی اتخاذ چنین موضعی از سوی روسیه حایز اهمیت است. با عنایت به نقطه نظرات کارشناسان مسایل سیاسی و روابط بین‌الملل می‌توان موارد زیر را به عنوان مهمترین علل اتخاذ چنین موضعی از سوی روسیه برشمرد:

۱. منافع اقتصادی روسیه: دولت بغداد بیش از ده میلیارد دلار به روسیه مقروض است و روسیه می‌داند در صورتی که این مجازات‌ها ادامه یابد، باز پس‌گیری این مبلغ بسیار دشوار خواهد بود.

۲. احتمال توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی میان مسکو و بغداد پس از لغو تحریمها: عراق بارها به روسیه وعده انعقاد قراردادهای تجاری متعددی را داده است و حتی چندی پیش پیشنهاد برنامه طولانی مدت همکاریهای اقتصادی از سوی این کشور به روسیه داده شد که با توجه به مشکلات داخلی اقتصاد روسیه این پیشنهادها برای دولت مسکو ارزشمند می‌باشد.

۳. اختلافهای میان روسیه و آمریکا: اصرار دولت بوش در پیشبرد برنامه دفاع موشکی و گسترش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به سمت شرق، همواره با مخالفت روسیه مواجه بوده است، ضمن اینکه روسیه مایل است بار دیگر در منطقه خاورمیانه به ایفای نقش بپردازد و از عراق به عنوان یکی از دروازه‌های حضور در این منطقه استفاده کند، به ویژه آنکه عراق و روسیه دارای روابط دیپلماتیک و مناسبات تاریخی با یکدیگرند.

چین نیز زمانی با طرح مجازات‌های هوشمند موافقت کرد که بهره‌های مالی خوبی کسب کرد. این موافقت هنگامی اعلام شد که کمیته مجازات‌ها وابسته به سازمان ملل متحد قرارداد چند میلیون دلاری چین با عراق را که توسط این کمیته و بنا به درخواست نماینده آمریکا متوقف شده بود، بلامانع اعلام کرد.^۶

رژیم عراق نیز برای مقابله با طرح مجازات‌های هوشمند از روشهای مختلفی استفاده کرد. دولت عراق ابتدا با تأکید بر اینکه هیچ قطعنامه‌ای را نخواهد پذیرفت، مگر آنکه شامل خاتمه دادن به کلیه تحریمها باشد، با چین و روسیه به گفتگوهای جدی و مکرر پرداخت. در مرحله بعد عراق از اهرم نفت استفاده کرد. عراق از تاریخ ۲۰۰۱/۶/۴ صادرات نفت در مقابل غذا را متوقف کرد و این صادرات از سر گرفته نشد مگر پس از آنکه شورای امنیت تصمیم گرفت از تاریخ ۲۰۰۱/۷/۳ برنامه نفت در برابر غذا را به مدت پنج ماه دیگر تمدید کند. در مرحله سوم، عراق کشورهای ترکیه و اردن را تهدید کرد که در صورت موافقت با مجازات‌های هوشمند، دیگر به این کشورها نفت ارزان قیمت صادر نخواهد کرد و هرگونه معامله تجاری را متوقف

خواهد نمود. این تهدید عراق باعث شد که اردن با مجازاتهای هوشمند مخالفت کند. دولت امان با ارسال گزارش به دبیر کل، ضمن برشمردن میزان خسارتهایی که مجازاتهای هوشمند به اردن وارد خواهد کرد، خواستار خارج کردن طرح این مجازاتها از دستور جلسه شورای امنیت شد. اما بر خلاف اردن، ترکیه پایبندی خود را به تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه عراق اعلام کرد و تنها خواهان آن شد که این قطعنامه‌ها به منافع آنکارا آسیبی نرساند.^۷ عراق همچنین تلاش کرد با دیگر کشورهای عربی نیز روابط اقتصادی خویش را مستحکمتر کند تا از این طریق مواضع سیاسی این کشورها را نسبت به مسئله مجازاتهای هوشمند به سود خود تغییر دهد.^۸

حادثه یازدهم سپتامبر و بازتابهای احتمالی آن بر عراق

به رغم اظهارات مبالغه آمیز عراق مبنی بر پیروزی بزرگ دیپلماتیک در مقابل ایالات متحده و انگلستان و مسکوت گذارده شدن طرح مجازاتهای هوشمند، حقیقت آن است که هنوز این دو کشور به دنبال مطرح ساختن مجدد مجازاتهای هوشمند در شورای امنیت هستند. مسئله مهمی که طرح مجازاتهای هوشمند را تحت الشعاع قرار داد، حادثه یازدهم سپتامبر و اعلان جنگ آمریکا علیه کشورهای مدافع تروریسم بود. در این مقطع بسیاری از تحلیل گران تأثیر این واکنش آمریکا را علیه عراق مورد بررسی قرار دادند و پرسشهایی نظیر آنکه آیا جنگ علیه تروریسم به عراق نیز خواهد رسید، و آیا بوش مأموریت ناتمام پدرش در جنگ دوم خلیج فارس را در سرنگونی صدام حسین به پایان خواهد رساند، مطرح شد. عکس العمل رژیم عراق نیز در این رابطه بسیار حایز اهمیت بود. دولت بغداد نه تنها همچون سایر کشورهای جهان این انفجارها را محکوم نکرد، بلکه آنها را نتیجه طبیعی سیاستهای زور مدارانه آمریکا در جهان دانست ضمن آنکه این رژیم حتی پیام هم دردی برای آسیب دیدگان و خانواده قربانیان این حمله‌ها ارسال نکرد و چنین اقدامهایی را به عنوان عملی منافقانه خواند و اعلام کرد که ملت عراق منافع نیست. از سوی دیگر، صدام حسین جنگ آمریکا علیه افغانستان را تروریسم یک ابرقدرت نامید و ضمن انتقاد از مواضع کشورهای

عربی و سازمان کنفرانس اسلامی، از این سازمان به طور رسمی درخواست کرد که حمله آمریکا به افغانستان را محکوم نماید.^۹

موفقیت آمریکا در کسب رضایت شورای امنیت برای به تصویب رساندن قطعنامه شماره ۱۳۷۳ در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ که با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد مقرر می‌دارد دولت‌ها باید اقداماتی در راستای مبارزه با تروریسم انجام دهند و عدم همکاری دولت‌ها در اجرای این قطعنامه، آنها را با مجازات و تحریم مواجه خواهد کرد، بدون شک می‌تواند عراق را با چالشی جدی مواجه نماید. در حال حاضر در دولت آمریکا دو دیدگاه نسبت به عراق وجود دارد: دیدگاه اول از حمله نظامی به عراق حمایت می‌کند و درصدد از میان بردن نظام سیاسی حاکم بر این کشور است. مهمترین طرفداران این دیدگاه وزارت دفاع و تعدادی از نمایندگان کنگره هستند.^{۱۰} اما دیدگاه دوم که وزارت امور خارجه آمریکا مهمترین هوادار آن است، به جلب حمایت جهانی در این قضیه بسیار توجه می‌کند. کالین پاول، وزیر امور خارجه آمریکا، معتقد است که حمله به عراق زمانی مناسب و مؤثر خواهد بود که مورد حمایت جامعه بین‌المللی باشد و این قضاوت وجود داشته باشد که این حمله در چارچوب جنگ آمریکا علیه تروریسم می‌گنجد.

تحلیل این دو دیدگاه ثابت می‌کند که دولتمردان آمریکا تنها در اتخاذ زمان مناسب برای حمله به عراق اختلاف نظر دارند و در واقع هر دو گروه به جنگ علیه عراق کاملاً معتقد می‌باشند. تأکید سخنگوی رسمی کاخ سفید مبنی بر آنکه در دیدار ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، با رییس جمهوری آمریکا هیچ وعده‌ای در مورد عدم حمله به عراق از سوی جرج بوش داده نشده است،^{۱۱} در کنار اظهارات دیگر مقامات آمریکایی در ارتباط با کنترل شدید تحریرات عراق و تهدید صدام حسین به اینکه در صورت اقدام به هر عملی که حساب نشده باشد، بهای سنگینی خواهد پرداخت، نشانگر آن است که دولت آمریکا در حال آماده شدن برای تهاجمی سنگین علیه عراق می‌باشد.^{۱۲} در پرتو این گونه تهدیدها و اظهارنظرها بود که دولت عراق نیز چندین بار اعلام کرد، احتمال حمله آمریکا به عراق به دلیل ارتباط این کشور با حوادث یازدهم سپتامبر و یا شیوع سیاه زخم در ایالات متحده نیست، بلکه هدف آمریکا سرنگونی حکومت عراق می‌باشد.^{۱۳}

با توجه به اتهامهایی که رسانه‌های گروهی آمریکا علیه عراق مطرح می‌کنند و همچنین با بررسی گفته‌های رییس جمهوری این کشور مبنی بر استمرار جنگ علیه تروریسم و احتمال حمله به عراق، به نظر می‌رسد آمریکا با تعدادی از کشورهای غیر عربی برای این تهاجم ائتلاف نماید و اهمیت چندانی برای دولتهای عربی در این زمینه قابل نباشد، به ویژه اینکه تاکنون یک موضع مشخص و یکپارچه در ارتباط با مخالفت با گسترش دامنه جنگ علیه تروریسم به سمت کشورهای عربی از سوی اعراب، به جز اظهارات دبیر کل اتحادیه عرب، اتخاذ نشده است.^{۱۴} در حقیقت حتی اگر دامنه جنگ علیه تروریسم به کشورهای عربی نیز امتداد یابد، معلوم نیست که کشورهای عربی به جز محکوم کردن این تهاجم به طور لفظی قادر به انجام کار دیگری باشند.

عدم وجود هرگونه دلیلی مبنی بر دخالت عراق در انفجارهای یازدهم سپتامبر و شیوع سیاه زخم باعث شد تا دولت آمریکا از اواخر ماه نوامبر ۲۰۰۱ برای آماده‌سازی افکار عمومی جهت حمله به عراق به دو بهانه دیگر، یعنی، در اختیار داشتن سلاحهای کشتار جمعی و ممانعت از ورود بازرسان سازمان ملل متحد به خاک این کشور، متوسل شود. اگر بغداد بر مخالفت خود با بازگشت بازرسان و ادامه فعالیت نظارت و بازرسی آنان بر ذخایر تسلیحاتی خویش پافشاری کند، دولت آمریکا از این مسئله به عنوان بهانه‌ای برای حمله جهت اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، بهره خواهد جست. در نتیجه آمریکا قادر خواهد بود که با استناد به همین مسئله که دلیل اصلی حمله به عراق سرباز زدن این کشور از اجرای قطعنامه لازم الاجرای شورای امنیت می‌باشد، حمایت برخی از کشورها و بی طرفی دیگر کشورها را به دست آورد.^{۱۵}

در پرتو سخنان مقامات آمریکایی در باره عراق، تحلیلهایی در رابطه با چگونگی حمله آمریکا به عراق و احتمال اجرای همان سناریویی که علیه طالبان در افغانستان صورت گرفت مطرح شد. گروهی بر این نظر بودند که ارتش آمریکا به حمله هوایی گسترده‌ای مبادرت خواهد کرد و در همین زمان از نیروهای اپوزیسیون عراق در شمال و جنوب حمایت خواهد نمود. اما واقعیت آن است که نه عراق، افغانستان است و نه اپوزیسیون، ائتلاف شمال. اگر

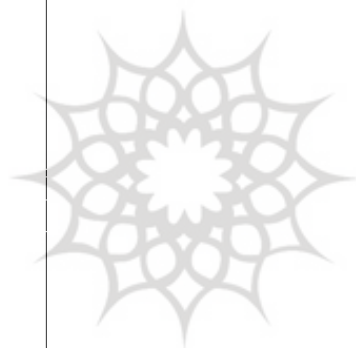
هدف آمریکا از بین بردن نظام حاکم بر عراق باشد، ارتش این کشور ناگزیر به ارسال نیروی زمینی خود به خاک عراق است و با توجه به توانایی محدود نیروهای اپوزیسیون در اقدام به یک حمله موفق زمینی و پیروزی در مقابل ارتش عراق، حمله زمینی آمریکا برای فروپاشی رژیم صدام حسین ضرورت دارد. موضع گیری کشورهای هم جوار عراق در رابطه با این حمله احتمالی نیز مهم است؛ زیرا ممکن است این کشورها اجازه ندهند که نیروهای زمینی دیگر کشورها از خاکشان عبور کنند و یا حتی اجازه ندهند که از سرزمینشان برای حمله به عراق استفاده شود.

مرحله پس از سقوط صدام حسین یکی از معضلات سیاست آمریکا در قبال عراق است.^{۱۶} به نظر می‌رسد بهترین گزینه برای واشنگتن، برپایی یک نظام سیاسی است که هم مانع از تکیه صدام دیگری بر مسند قدرت باشد و هم مانع از آن شود که با به وجود آمدن یک خلاء سیاسی، زمینه برای جنگ داخلی در این کشور فراهم شود، ولی با بررسی شرایط فعلی و در نظر گرفتن دشواریهای جنگ زمینی برای ارتش آمریکا، این احتمال وجود دارد که آمریکا در جنگ علیه عراق بیشترین ضربه را به تجهیزات و تأسیسات نظامی عراق وارد کند تا از این طریق هم سرنوشت صدام میسر گردد و هم نظام سیاسی بعدی از توان تسلیحاتی بالایی برخوردار نباشد.

حادثه یازدهم سپتامبر به ایالات متحده کمک کرد تا اعضای دائمی شورای امنیت را در مقوله جنگ علیه تروریسم و همچنین مسئله عراق به یکدیگر نزدیکتر نماید. در حال حاضر حتی کشوری همچون روسیه از عراق خواسته است تا به بازرسان سازمان ملل متحد اجازه بازگشت و ادامه فعالیت بدهد و این امر ثابت می‌کند که شورای امنیت در ارتباط با قضیه بازگشت بازرسان سازمان ملل اتفاق نظر دارد و در صورتی که عراق از درخواست شورای امنیت استنکاف نماید، آمریکا نیز عدم اجرای قطعنامه شورای امنیت توسط عراق را به بهانه ای برای حمله به این کشور و دست‌یابی به منافع خویش تبدیل خواهد نمود.^{۱۷}

تاکنون بارها مقامات عراقی تصریح نموده‌اند که ایالات متحده برای حمله به عراق برنامه‌ریزی کرده است و آنان نیز آماده رویارویی هستند، اما صرف نظر از اعلامیه‌ها و

اظهاراتی که از بغداد صادر می‌شود، واضح است که عراق دوره بیشتر ندارد؛ یا اینکه با بازگشت بازرسان و اجرای کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت موافقت کند، و یا اینکه خود را برای جنگ با آمریکا که به نظر می‌رسد از زمان عملیات توفان صحرا بی سابقه باشد، آماده نماید.^{۱۸} □



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

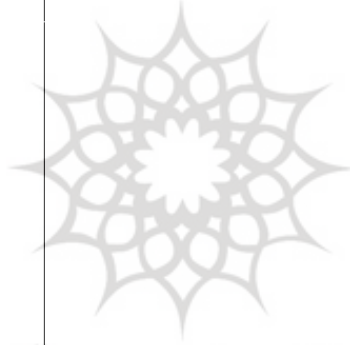
پاورقیہا:

۱. مجموعة من الباحثين، «العقوبات الذكية: إعادة هيكلة سياسة الأمم المتحدة في العراق»، المستقبل العربي، العدد ۲۶۸، يونيو ۲۰۰۱؛ حول الصيغة النهائية لمشروع القرار البريطاني الخاص بالعقوبات الذكية انظر: المستقبل العربي، العدد ۲۷۴، أغسطس ۲۰۰۱.
۲. المستقبل العربي، العدد ۲۷۴، أغسطس ۲۰۰۱.
۳. الحياة، ۱۴، ۱۶، ۲۰۰۱.
۴. روزنامه الخليج، ۵، ۷، ۲۰۰۱؛ الحياة، ۲۷، ۲۸، ۲۰۰۱.
۵. الحياة، ۳، ۷، ۲۰۰۱؛ الإتحاد، ۷، ۱۸، ۲۰۰۱؛ مايكل جانسن، «العقوبات الذكية ليست ذكية»، روزنامه الخليج، ۱۴، ۷، ۲۰۰۱.
۶. روزنامه الخليج، ۵، ۶، ۲۰۰۱.
۷. روزنامه الخليج، ۲۴، ۲۹ و ۲۰۰۱، ۸، ۱۶، الحياة، ۱۶، ۲۰۰۱.
۸. الحياة، ۲، ۷، ۲۰۰۱ و ۷، ۷، ۲۰۰۱، الشرق الأوسط، ۱۱، ۷، ۲۰۰۱، روزنامه الخليج، ۲۲، ۵، ۲۰۰۱؛ الإتحاد، ۲۲، ۷، ۲۰۰۱.
۹. مركز دراسات العراق، الملف العراقي، العدد ۱۱۸، اكتوبر ۲۰۰۱، روزنامه الخليج، ۸، ۱۰، ۲۰۰۱ و ۲۸، ۱۰، ۲۰۰۱.
۱۰. غسان العطية، «الحرب الامريكية ضد الإرهاب و مصير العراق»، الملف العراقي، همان؛ روزنامه الخليج، ۱۷، ۱۰، ۲۰۰۱ و ۲۰، ۱۰، ۲۰۰۱.
۱۱. روزنامه الخليج، ۲۷، ۹، ۲۰۰۱ و ۱۱، ۱۰، ۲۰۰۱ و محمد سيد احمد، «ضرب العراق ليس نعم أم لا، وإنما متى؟»، روزنامه الخليج، ۲، ۱۲، ۲۰۰۱.
۱۲. Fared Zakaria, "Let Iraq Wait, Finish Alqaeda," *Newsweek*, 10 December 2001.
۱۳. روزنامه الخليج، ۱۱، ۱۰، ۲۰۰۱ و ۱۶، ۱۰، ۲۰۰۱.
۱۴. روزنامه الخليج، ۹، ۱۰، ۲۰۰۱ و ۲۹، ۱۰، ۲۰۰۱.
۱۵. 14. *Time*, October 2001.
۱۶. روزنامه الخليج، ۲۷، ۱۱، ۲۰۰۱ و ۲، ۱۲، ۲۰۰۱.
۱۷. حسنين توفيق إبراهيم، مستقبل العراق و انعكاساته على أمن الخليج [فارسي]، القاهرة: مركز الدراسات السياسية و

الإستراتيجية بالأهرام، كراسات إستراتيجية، العدد ١٠٠، ٢٠٠١.

١٧. روزنامه الخليج، ٢٠٠١، ١٢، ١، الاتحاد، ١، ١٢، ٢٠٠١.

١٨. روزنامه الخليج، ٢٠٠١، ١١، ٣٠، ٢٠٠١، ١٢، ٣، و ٢٠٠١، ١٢، ٥.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی